



نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری

[مطالعه موردی: شهرهای انگلستان]

دکتر حسین حاتمی نژاد

عضو هیأت علمی دانشکده جغرافیا-دانشگاه تهران

امین فرجی ملائی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

چکیده

فضای شهری همواره به عنوان بستری متأثر از فرایندهای مختلف اقتصادی-سیاسی بوده و مکان ظهور پدیده‌هایی چون بی‌عدالتی، کمبود بهداشت و درمان، بیکاری، اختلاف طبقاتی و... می‌باشد، که ریشه در سیاست‌های اقتصادی دارد. در دوران زندگی بشر، همواره با ظهور مکتب و تفکری خاص محیط زندگی نیز تغییر کرده است. به بیانی دیگر محیط زندگی انسان به نحوی بیانگر اندیشه حاکم بر آن جامعه می‌باشد. در پشت صحنه، ایدئولوژی حاکم هدایتگر این تحولات می‌باشد. با توجه به تأثیرات چشم‌گیر این تفکرات بر محیط شهری لازم است این اندیشه‌ها بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله تأثیر سیاست نئولیبرالیسم بر فضای شهری با تأکید بر شهرهای انگلستان، مورد بررسی قرار گرفته است. نئولیبرالیسم به عنوان سیاست پیشرو کشورهای صنعتی در دهه ۷۰ و ۸۰ پا به عرصه نهاد. این تفکر زاینده جهان سرمایه‌داری است. در اینجا مفهوم جهانی شدن بستری برای این تفکر می‌باشد. آنچه که نئولیبرالیسم نامیده می‌شود در انگلستان و آمریکا آغاز گردید. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر این تفکر بر روی فضای شهری انگلستان می‌باشد. روش این پژوهش مبتنی بر روش‌های توصیفی-تحلیلی است. **واژه‌های کلیدی:** نئولیبرالیسم، فضای شهری، سرمایه‌داری، جهانی شدن، تاجریسم.

مقدمه

تاریخ اندیشه بشر سرشار از ظهور و نمود مکتب‌ها و نگرش‌هایی است که در برهه‌ای از زمان محیط زندگی بشر را دگرگون ساخته و فضای سکونتی متفاوتی ایجاد کرده است. شهرها به عنوان موفق‌ترین کوشش در جهت خلق فضای زندگی دائماً بر اساس تمایلات درونی انسان در حال تغییر و دگرگونی هستند. در واقع انسان آگاهانه و گاه در یک روند تدریجی به بازآفرینی شهر می‌پردازد و شهر خود را از نو می‌سازد.

چنین بازآفرینی‌هایی گاه انقلابی شگرف را در قسمت اعظم از فضای زندگی انسان ایجاد می‌کردند. نئولیبرالیسم نمونه بارز چنین تفکری است که فضای زندگی شهرها را دچار تحولات گسترده‌ای نموده است. اگرچه ریشه‌های این تفکر در اندیشه نظام سرمایه‌داری آمریکا و انگلیس ظهور یافت اما به تدریج در جهت جهانی‌سازی، قسمت‌های اعظمی از جهان را در بر گرفت. اندیشه نئولیبرالیسم زاینده جهان سرمایه‌داری است که ریشه در جهانی شدن دارد. چنین چرخش آشکار در شیوه‌های اقتصادی-سیاسی، در قالب

مقررات‌زدائی، خصوصی‌سازی و کناره‌گیری دولت از بسیاری از حوزه‌های تأمین اجتماعی نمود پیدا کرد و فرد را به عنوان محور تحولات قرار داد. در واقع موج فراگیری که ابتدا در ایالات متحده و سپس بریتانیا آغاز گردید و به تدریج قسمت‌های مختلف دنیا را در بر گرفت، شهرها را به عنوان مرکز ثقل ظهور چنین تفکری مورد هدف قرار داد. آنچه ما در نیویورک و بحران‌های ظهور یافته (بحران شهری ۱۹۶۰) و نیز لندن در قالب کاهش زیرساخت‌های کالبدی می‌بینیم چیزی جز جریان اندیشه نئولیبرالیسم نیست.

در کنار تحولات سیاسی-اقتصادی جوامع شهری، فضای حاکم بر آن نیز دستخوش تغییراتی می‌شوند. چرا که شهرها نیز در درون شکل‌بندی‌های اقتصادی-اجتماعی گوناگون الگوهای متفاوتی به خود می‌گیرند. در واقع شهرها در هر صورت‌بندی اجتماعی-اقتصادی شکل و در نتیجه ماهیت خاص خود را می‌یابند یعنی وحدتی شکلی-مضمونی متناسب با نظام درون‌ساز دارند (مومنی، ۱۳۸۳: ۲۹).

موضوع نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری بیانگر جهت‌گیری‌های فضای شهر و نظام برنامه‌ریزی همگام با جهت‌گیری‌های سیاسی-اقتصادی در جامعه است.

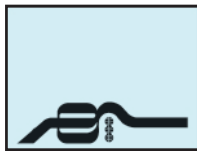
در این گفتار سعی بر آن است که تأثیرات اندیشه نئولیبرالیسم بر فضای شهری و اندیشه‌های برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی با تأکید بر شهرهای انگلستان بررسی گردد.

مبانی نظری

- نئولیبرالیسم

اصطلاح نئولیبرالیسم برگرفته از کلمه لیبرالیسم و ریشه لاتین Liber به معنای آزادی فردی است (www.en.wikipedia.org) لیبرالیسم نو از دهه ۱۹۷۰ با بروز انقلاب در زمینه تکنولوژی ارتباطی، امکان انتقال سریع‌تر اطلاعات و یافته‌ها به سراسر جهان گسترش یافته و تقویت جامعه مدنی جهانی و ظهور شهروند آگاه جهانی، پدید آمد (تقوایی و سروری، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

در واقع نئولیبرالیسم از دل برنامه‌های محافظه کارانه نئولیبرال داخلی بازیگران سیاسی موفق دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نظیر میلتون فریدمن در ایالات متحده و یا سیاست سازمان روشنفکرتی چون کیف جوزف در بریتانیا بیرون آمد (هاروی، ۱۳۸۶: ۴۶-۳۲). حاصل این چرخش نظری و عملی



در زمان ما نظریه پردازان معروف لیبرالیسم نو عبارتند از: جان رالز^۱، رونالد دروین^۲، فردریک فن هایک^۳، روبرت نوزیک^۴ و میلتون فریدمن^۵ (شکوئی، ۱۳۸۵: ۵۶).

- جهانی شدن

نئولیبرالیسم و جهانی شدن^۱ دو روی یک سکه اند. چنانکه استفان روزلیوس می گوید، اولین بار در دهه های ۱۹۸۰ جهانی شدن از مکتب نئولیبرالیسم و از مدارس عالی اقتصاد در آمریکای شمالی بیرون آمد (روزلیوس، ۱۳۸۳: ۱۶۱). مالکوم واترز جهانی شدن را فرایندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی در روابط اجتماعی از بین می رود، می داند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲). جهانی شدن واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی است که منجر به کمرنگ شدن مرزهای سیاسی و اقتصادی می شود.

مانیفست^{۱۱} کمونیست جهانی شدن را چنین تشریح می کند: بورژوازی نیاز به بازارهای جدیدی دارد که به طریق استثمار، به کشورها ویژگی جهان شهری می دهد.

با ظهور نیازهای جدید کشورها به محصولات نقاط دوردست، برای ارضای آن نیازمند می شوند و ملت های دارای ارتباط بین المللی و جهانی ظاهر می شوند (بلانت و ویلس، ۱۳۸۶: ۹۹).

به بیان دیگر جهانی شدن را فرایند یکپارچگی (تمرکز) بازار، نیروی کار، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات تعریف کرده اند (زنگنه چگنی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). در دیدگاه دیگر جهانی شدن را می توان جا به جایی روز افزون افراد، کالاها، سرمایه و اطلاعات نیز تعریف کرد (رنای شورت و میون، ۱۳۸۵: ۵۶). آنتونی گیدنز جهانی شدن را فشردگی روابط اجتماعی و تأثیرگذاری رویدادهای نقاط دوردست در شکل گیری رخدادهای محلی می داند (بیکیش، ۱۳۸۱: ۳۵).

به عبارتی دیگر جهانی شدن پدیده ای است در ارتباط با سطوح گوناگون تحلیل مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ایدئولوژی (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

جهانی شدن را می توان فرایند تشدید و تعمیق روابط جهانگستر و جهانگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و هم چنین به منزله یکپارچه کردن بازارها، بخش های اقتصادی و نظام تولید مطرح کرد (هادیانی، ۱۳۸۴: ۴). به عبارتی دیگر جهانی شدن سیاست بازاریابی نئولیبرالیسم و سلطه بر ابعاد وسیعی از دنیا با حذف محدودیت های مرزی و دولتی می باشد. در تمام تعاریف مطرح شده از جهانی شدن، نقطه اشتراک آنها در یکپارچه سازی در تمام زمینه ها بویژه فرهنگی و اقتصادی می باشد. گرایش به چنین فرایندی در یک روند تاریخی به صورت زیر می باشد:

به دنبال وقوع نخستین بحران اقتصادی در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای پیشرفته سیاست های نوینی را در پیش گرفتند. اندیشه نئولیبرالیسم بعد از وقوع دومین بحران اقتصادی (۱۹۷۰-۱۹۸۰) مطرح شد که تا به امروز نیز ادامه دارد. (Li & Xiao & Zho, 2007: p44)

رکود دهه ۱۹۸۰^{۱۲} با یک جنون روزافزون بحث شهرسازی همراه بوده است. شک و تردید چپ را به شدت مورد حمله قرار داده و سبک ائتلاف موفقیت آمیز راست-میانه بتدریج خود را مطرح کرد.

رواج سیاست های اقتصادی نئوکلاسیک و گرایش فزاینده به خصوصی سازی در اقتصاد بوده است (بشیره، ۱۳۸۶: ۳۱۳).

این روند به شکست اندیشه های دولت رفاه در زمان تورم که ریشه در کینزگرایی داشت منجر شد. گروه های مختلف طبقات متوسط بخش هایی از طبقه کارگر شروع به رأی دادن به احزاب و رهبرانی نمودند که از نظر اقتصادی، از نوع جدید کنسرواتیسم^۱ لیبرال، حمایت می کردند که بعداً نئولیبرال خوانده شد (عبدل... زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۷). به عبارتی دیگر پس از دگرگون شدن نوع رابطه و تعامل میان دولت، سرمایه و نیروی کار در دهه ۱۹۷۰ و افزایش تقاضا برای نظام نوین اقتصاد سیاسی در پی شکست لیبرالیسم درونی شده^۲ که موجب زیر سؤال رفتن کارآمدی دولت رفاه و سیاست های حمایت گرایانه پس از جنگ شد، نئولیبرالیسم به عنوان پروژه ای جدید به منظور ترسیم و سامان بخشی نظام اقتصاد بین المللی متولد گشت (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۳) که در این تفکر، دولت کوچک ترین اندازه را داراست (آریلانستر، ۱۳۶۷: ۱۷).

مایه فلسفی تفکر رقابتی نو (راست افراطی و لیبرالیسم نو) بر پایه اعطای مسئولیت کامل به همه انسان ها و یکسان پنداشتن همه آنها- منتهای نه در حق برخورداری- بلکه در قبول مسئولیت محرومیت های خودشان! (رئیس دانا، ۱۳۸۱: ۴۴۳). سیسو پرامونو^۳ نئولیبرالیسم را سیاست کشتار جمعی می داند، در هر حال از دید او نئولیبرالیسم انبوهی از مرگ و محرومیت های شدید را در میان مردم فقیر مناطق خاص ایجاد می کند لذا نئولیبرالیسم جزء قتل عام های درجه دوم و سوم می باشد^۴ (Pramono, 2006: 115).

بحث فعالیت آزاد (لیبرالیسم نو) که به وضوح متضمن پایان اقتدار دولت است ادعاهای زیر را مطرح می سازد:

- ۱- عملیات آزاد اقتصادی به دور از قید و بندهای نظارتی.
 - ۲- قدرت تحرک شرکت ها، مستقل از دولت.
 - ۳- گشایش بازارهای تازه و عوامل غیر دولتی.
 - ۴- جهانی شدن (فصیحی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). می توان چنین گفت، جوهر اندیشه نئولیبرالیسم معطوف به رد دخالت دولت و برنامه ریزی متمرکز به عنوان عوامل محدود کننده آزادی و ابتکار فردی، و دفاع از دموکراسی و قوانین بازار آزاد است.
- مشخصات کلی اندیشه نئولیبرالیسم عبارتند از: (M.Ayres, 2004: p24)

جدول ۱: مشخصات اندیشه نئولیبرالیسم

حامیان	ادعای مطرح شده	سیاست های پیشنهادی
-حکومت های لیبرالیستی	-بهترین گزینه برای رشد اقتصادی	-تجارت آزاد
-شرکتهای چندملیتی	-فرایندی اجتناب ناپذیر	-قانون زدایی
-محتکران سرمایه ^۱	-یکپارچه سازی	-حذف مالیات
-رسانه های سرمایه داری		-خصوصی سازی
-بانک جهانی		-کاهش هزینه های عمومی
-صندوق بین المللی پول		-کوچک سازی دولت

منبع: (M.Ayres, 2004: p24)



جدول ۲: روزشمار تحولات اقتصادی ۱۸۷۰-۱۹۹۰

سال	رخدادها و سیاست‌های مالی
۱۸۷۰-۱۸۹۰	وقوع نخستین بحران اقتصادی
۱۹۰۰-۱۹۲۰	آغاز تسلط مالی جهان سرمایه‌داری
۱۹۳۰	کساد در بازار اقتصاد
۱۹۴۰-۱۹۶۰	سیاست کینزی
۱۹۷۰-۱۹۸۰	وقوع دومین بحران مالی
۱۹۹۰	نئولیبرالیسم

منبع: (Li & Xiao & Zho, 2007: p44)

لیبرالیسم نوعی تاجری

از سال ۱۹۷۹، دولت محافظه کار انگلیس به دوره جدیدی از برنامه ریزی وارد می شود که در مباحث جغرافیایی از آن به عنوان «ایدئولوژی تاجریسم»^{۱۳} نام می برند (شکوئی، ۱۳۸۳: ۴۷۳).

«باب چسپ» و «رابرت استونس» برای لیبرالیسم نوع تاجری پنج مشخصه ذکر می کنند:

- ۱- آزادی اقتصادی
 - ۲- رفع نظارت قانونی
 - ۳- خصوصی سازی
 - ۴- کاهش مالیات
 - ۵- بین‌المللی کردن و تحرک شدید سرمایه و نیروی کار (شکوئی، ۱۳۷۹: ۷).
- اساس تاجریسم بر محدود کردن نقش دولتی در زندگی اقتصادی و تأکید بر نقش نیروهای بازار آزاد استوار بود. سیاست‌های اقتصادی تاجر خشن‌ترین نوع نئولیبرالیسم می باشد. تاجر هر گونه دخالت دولتی را حذف کرد و خدمات اجتماعی را به حداقل ممکن رساند.

انسان و فضای شهری

در جغرافیای سنتی به بررسی روابط متقابل جوامع انسانی با محیط پرداخته می شود، لیکن در جغرافیای نو فراتر از آن، انسان در این بررسی در کانون پژوهش قرار دارد (کلاول، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

فضای شهری محصول تفکرات انسان‌های ساکن در آن است. توسعه فرهنگی، که بیشتر در جوامع رو به پیشرفت پدیدار می شود؛ این جوامع را به اجرای سیاست‌هایی تشویق می کند (نومه، ۱۳۷۸: ۱۲۴). در این میان فضای سیاسی، فضای شهری خاصی ایجاد می کند. فضای شهری خلق شده ساکنانش را به پیروی از نوع خاصی از تفکر برنامه‌ریزی هدایت می کند.

می توان گفت فضای شهری لایه‌هایی از محیط خلق شده و اشکال اجتماعی هستند، که فضای طبیعی را دگرگون ساخته و روی آن جای می گیرند، با گذشت زمان انباشته می شوند، و همگی در کنار هم فضای شهری را می سازند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۵۴). مرفورد نیز فضای شهری را محصولی از زمان می داند (مرفورد، ۱۹۴۰: ۵۴). فضای شهری در هر دوره زمانی متناسب با افکار و نگرش‌های حاکم است. آن چنان که در برهه‌ای

از زمان با ظهور نئولیبرالیسم، درآمد‌های نابرابر در اکثر کشورها همراه می شود و تمامی کشورهایی که خود را با توافقنامه واشنگتن^{۱۴} هماهنگ کردند دچار تغییرات فضایی گسترده ای شدند، که می توان مکزیک، آسیای شرقی، برزیل، روسیه، آرژانتین و ترکیه را نام برد (Rodrik, 2002: I).

به عبارتی انسان به عنوان نیروی محرک فضا، فضای نیروها را می سازد و در پی آن فضای شهری شکل می یابد. فضای نیروها می تواند اختلاف در درآمد‌ها، عرضه محل کار و اشتغال، محل سکونت، سطح شکل دهی و آماده‌سازی نیروها، روابط حاکم، آزادی‌ها، تضمین و بیمه‌های فردی باشد و در کنار هم فضای شهری را می سازند (باور، ۱۳۸۶: ۶۴). بنابراین فضای شهری که می توان آن را پیچیده‌ترین فضای جغرافیایی نام نهاد، شامل: بستر تغییر یافته توسط انسان، همراه با کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه سیاسی است.

انسان‌ها با تکنولوژی خود، همواره محیط شهری را دگرگون می سازند. در واقع تکنولوژی گویای نوعی از روابط اجتماعی برآمده از فرهنگ خاصی است، که نیروی کار را به نوع ویژه‌ای به کار می گیرد و همین امر به الگوی فضایی گوناگون جان می بخشد (پیران، ۱۳۷۰: ۶۲). بنابراین انسان محور اصلی در ساخت فضای شهر است.

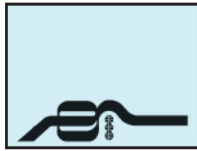
تأثیر نئولیبرالیسم بر فضای شهری

شهرها به عنوان سکونتگاه انسان، همواره دستخوش تغییر و دگرگونی شده‌اند. نئولیبرالیسم به عنوان یک جریان سیاسی علیه دولت رفاه و گرایش به سمت خصوصی سازی و مقررات زدایی پا به عرصه نهاد. در چنین زمانی که مقررات‌زدائی و پایبندی به نیروی خود به خود بازار، استراتژی بزرگ نئولیبرالیست‌ها است، در مدیریت نواحی شهری مسؤولیت‌ها به گونه فزاینده در میان سازمان‌های گوناگون توزیع می شود (Corubolo, 1998: 10).

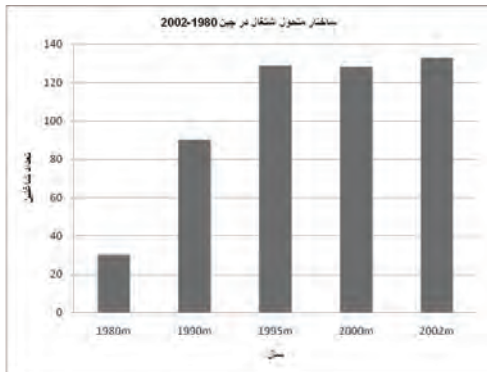
در حیطه فضای شهری، پیروان اندیشه نئولیبرالیسم، پست مدرن خوانده می شدند. این گروه مطالعات شهری را در چهارچوب، خوشه‌های شهری، جا به جایی جمعیت و مسکن بررسی می کردند (زیاری، ۱۳۸۴: ۱۲). چنان که در ادبیات توسعه کشورهای پیشرفته نئولیبرالیسم به عنوان استراتژی ابداعی به منظور مخالفت با چهارچوب‌های پیشین، چون مدرنیسم و مدل کینزی است (Brohman, 1990: 121).

در واقع نئولیبرالیسم به معنای دقیق کلمه با آن حرکت فرهنگی که پست مدرنیسم خوانده می شد بسیار سازگار بود. این حرکت فرهنگی (پست مدرنیسم) مبارزه‌ای بود که شرکت‌ها و نخبگان شهر پیش بردن آن را با حيله و ترفند در دهه ۱۹۸۰ شروع کردند (هاروی، ۱۳۸۶: ۶۴).

پست مدرنیسم با اهدافی چون پلورالیسم (تکثرگرایی)، جامعه مدنی، نهادهای غیر دولتی^{۱۵} ابزاری برای نئولیبرالیسم در خلق فضای شهری و تدوین نظام جدید در برنامه‌ریزی شهری مبدل شد. اما از بعد دیگر نئولیبرالیسم، از آنجایی که به دنبال یکسان سازی و یکی کردن هویت‌ها پیش می رفت و هدفش از بین بردن باورهای سنتی در جهت جهانی سازی است، بی شباهت به اندیشه‌های پست پست مدرنیسم نیست. باید توجه داشت تحلیل اصول و مباحث پست مدرنیسم و پست پست مدرنیسم در برنامه‌ریزی شهری از



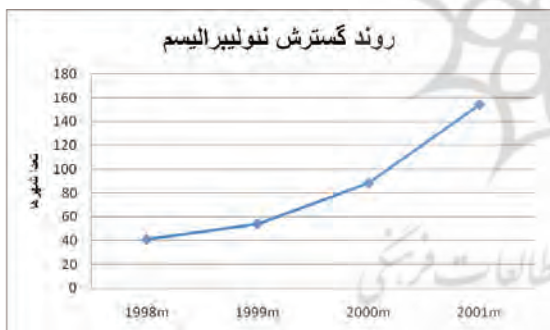
شرکت خصوصی بودند از ۳۰ میلیون شاغل در سال ۱۹۸۰ به ۱۳۲٫۹ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۸۱)



نمودار ۱: ساختار متحول اشتغال در چین (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

نئولیبرالیسم ساکنین شهر را در یک نبردگاه رقابتی در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی قرار داد و شهرها میدان فعالیت گروه‌های مختلفی گردید که بخشی رو به اوج و بخشی رو به اضمحلال بودند.

سیاست نئولیبرالیسم در حال گسترش در ابعاد وسیع می‌باشد چنان که تعداد شهرهای با سیاست نئولیبرالی در سال ۱۹۹۸، ۴۱ شهر بود که در سال ۲۰۰۱ به ۱۵۴ شهر افزایش یافت. (J.Wood, 2004: p75)



نمودار ۲: روند گسترش اندیشه نئولیبرالیسم در شهرهای جهان

منبع: (J.Wood, 2004: p75)

لیبرالیسم نوع تاجری و فضای شهرهای انگلستان

فضای شهری ترکیبی از فرم و فرایندهای حاکم بر آن است، به عبارتی کالبد و محتوا در هم آمیخته و دارای کنش متقابل هستند. با وقوع فرایندهای خاص فرمی خاص حاکم می‌شود، در بسیاری موارد فرم‌ها نیز فرایندهای خاصی ایجاد می‌کنند.

چنان که امروزه هنگام مطالعه شهرهای انگلستان (به عنوان فرم) نقش تاجریسم (به عنوان فرایند) در امر مسکن، خانه سازی برای طبقه کم درآمد و بالا رفتن میزان بیکاری در شهرها، که همه به نوعی در کیفیت زندگی در شهرهای انگلیس مؤثر است، مورد توجه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۸۳: ۱۲).

در چند دهه گذشته فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی در

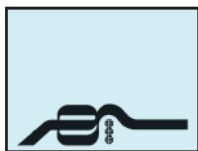
جهاتی در مقابل هم قرار می‌گیرند، زیرا پست پست مدرنیسم نوعی گرایش به مدرنیسم دارد.

آنچه که از نئولیبرالیسم در فضای شهری باقی ماند، تقسیم شهر به دو قطب فقیرنشین و ثروتمندنشین بود که دیوید هاروی از آن به عنوان شهرهای تقسیم شده یاد می‌کند (Harvy, 2007: 1). با چنین تفکری که برخاسته از نظام سرمایه‌داری بود بسیاری از خدمات اجتماعی از شهرها حذف شد که می‌توان نیویورک^{۱۶} را به عنوان نمونه ذکر کرد (Ibid, p. 4). همچنین بسیاری از جرم‌ها و جنایات در شهرها که به دنبال اختلافات طبقاتی ایجاد شده بود، رشد کرد. در شهرهایی چون لندن، نیویورک، شیکاگو، دتروید، لس آنجلس، بوستون و... محیط ناامن شهری مردم را قبل از غروب آفتاب به خانه‌هایشان می‌کشاند. چنانکه مردم شهرهای بزرگ آمریکا و اروپا را در تشویش دائمی فرو می‌برد و مفهومی از شهر ترس را ایجاد کرده بود (شکوئی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). همانطور که «جیکوبس» و «اپل یارد»^{۱۷} می‌گویند: شهرها خصوصی شده‌اند، بعضاً به این خاطر که تأکید جامعه بر فرد و بخش خصوصی است. لیکن البته دلیل و عامل اصلی آن گسترش اتومبیل است. بزهکاری در خیابان‌ها از یک طرف علت و از طرف دیگر معلول این روند است که شکل جدیدی را برای شهر بوجود آورده است. جزایری بسته و محفوظ با نماهای خالی و بدون پنجره، محصور با زمین‌های تلف شده پارکینگ و ترافیک سریع. با کاهش حمل و نقل عمومی، اماکنی که گروه‌های اجتماعی مختلف بتوانند با یکدیگر ملاقات داشته باشند بتدریج رو به زوال گذاشته است. محیط‌های عمومی بسیاری از شهرهای آمریکایی تبدیل به بیابان برهوت شدند و بقای حیات خود را صرفاً منوط به مراسم رسمی برنامه‌ریزی شده و عمدتاً در فضای حفاظت شده داخلی کرده‌اند. ترس باعث شده که گروه‌های اجتماعی از یکدیگر گریزان شده و به حلقه‌های اجتماعی یکدست روی بیاورند. برای بسیاری از مردم این فضاها بیگانه است (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

یکی دیگر از تأثیرات نئولیبرالیسم بر شهر افزایش اختلاف بین فقیرترین و ثروتمندترین مردم شهر است. اگرچه نئولیبرالیسم باعث رشد بالای اقتصادی و کنترل تورم گردید اما اختلاف طبقاتی شدت در شهرها افزایش یافت، چنین فرایندی را در کشور چین می‌توان مشاهده کرد که منافع رشد عمدتاً در خدمت گروه‌های خاص شهری و مقامات حزبی و حکومتی قرار می‌گرفت (هاروی، ۱۳۸۶: ۲۰۱). در بریتانیا نیز فرایند نئولیبرالیسم‌سازی منجر به این امر شده که، درآمد ۱۰ درصد مردم ثروتمند شهری، ۱۳/۶ برابر ۱۰ درصد مردم فقیر برآورد شده است (Monbiot, 2005: 66). این اختلاف درآمدی در بسیاری موارد منجر به شکست برنامه‌های شهرسازی شده است. مثلاً پروژه فاکس در شهر ونکوور کانادا را می‌توان نام برد (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

مسئله دیگر در ارتباط با تفکر نئولیبرالیسم، بحث مسکن می‌باشد. در این برهه مسکن برای کم‌درآمدها به دلیل اکراه سرمایه‌داران بخش خصوصی به شدت کاهش یافت. در نتیجه زمین گران شد و هزینه خرید مسکن بالا رفت. بطور خلاصه اقداماتی که از یک ایدئولوژی آزادمنشانه نشأت می‌گرفت، به زیان گروه درآمدی آسیب‌پذیر و به نفع گروه درآمدی بالاتر گردید.

از دیگر تأثیرات نئولیبرالیسم بر شهر می‌توان روند رشد نیروی کار را مطرح کرد. مثلاً در کشور چین شاغلان شرکت‌های شهری روستایی که جزء



کند. او «مالیات سرانه»^{۱۹} را پیشنهاد کرد که با مجبور ساختن تمام ساکنان خانه‌ها و واحدهای مسکونی به پرداخت مالیات، عملاً مقدار پولی را که شوراهای شهر می‌توانستند هزینه کنند کاهش داد (هاروی، ۱۳۸۶: ۸۱).

بنابراین تاچر تحولات چشمگیری را در سیستم اداری و برنامه‌ریزی کلانشهرها ایجاد کرد به طوری که در سال ۱۹۸۶ «شورای لندن بزرگ» و «شورای کلانشهرها» منحل گردید.

چنانکه در جدول شماره ۳ به وضوح می‌توان حذف شهرداران به عنوان نماینده دولت را مشاهده کرد. از طرفی الگوی طرح‌های توسعه شهری برای کلانشهرها در معرض تحولات تازه قرار گرفت. تصمیم شتابزده دولت تاچر در زمینه انحلال شورای «لندن بزرگ» و «شورای کلانشهرها» اقدام خامی بود که به نظام برنامه‌ریزی در این نواحی آسیب رسانید. در این زمان سازمان برنامه‌ریزی برای لندن و سایر نواحی کلانشهری عوض شد و اختیارات برنامه‌ریزی «یکپارچه»^{۲۰} برای آنها بوجود آمد، به این ترتیب در واقع آن بخش که نیاز ویژه‌ای به برنامه‌ریزی دوگانه (مرکزی-محلی) داشتند از آن محروم شدند. (culligworth, 1997: p87)

در نتیجه قدرت نهادهای برنامه‌ریزی تا حدود زیادی کاهش یافت، به طوری که شوراهای لندن بزرگ و برخی دیگر از کلانشهرها در سال ۱۹۸۶ منحل شدند. هم چنین دولت تاچر، خانه‌سازی دولتی را عملاً به صفر تقلیل داد، ولی توانست زمین مورد نیاز را برای کار سازندگان خصوصی تأمین کند، به نحوی که حتی کارگران نیز، به آن جلب شدند (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۸). در این دوره با تقویت نهادهای خصوصی، گرایش به سمت ایجاد شرکت‌های عمران شهری و مناطق متعدد عمران در مرکز توجه برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت (همان: ۱۲۷).

می‌توان گفت در زمان تاچر، با طرح سیاست‌های دفاع از آزادی فردی، بازار آزاد و خصوصی کردن به عنوان جانشین سیاست‌های جمع‌گرایی و حمایت بخش عمومی، فضای شهری به میدان رقابت گروه‌ها تبدیل شده و گروه‌های کم درآمد شهری و بخش پایین جامعه به حاشیه رانده شدند، که شاهد پیدایش شرکت‌های خصوصی متعدد و تغییر سیمای شهری، به ویژه لندن هستیم.

خلاصه‌ای از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری انگلستان در دو عصر مدرنیسم (لیبرال) و پست‌مدرنیسم (نئولیبرال) را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

محیط سکونت انسان همواره ساخته و پرداخته اندیشه بشری است. در هر برهه زمانی بنابر ضرورت‌های طبقه حاکم و برتر تفکری بر نگرش‌ها مسلط می‌شود و محیط زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد.

در این نوشتار کوشیدیم تأثیر نئولیبرالیسم به عنوان تفکر برتر دهه ۱۹۷۰ جامعه سرمایه داری را بر فضای شهری انگلستان و اکاوی کنیم. در این رابطه می‌توان بروز بحران‌ها و عدم موفقیت تفکر دولت رفاه را بستری نامناسب در جهت بالندگی این تفکر دانست.

می‌توان گفت الگویی را که ریگان و تاچر در آمریکا و انگلیس مطرح

انگلستان تشدید شد. این فعالیت‌ها منجر به تعریف مجدد عمومی و خصوصی گردید. برخی از این تلاش‌ها چون نئولیبرالیسم هم به صورت مادی و هم ایدئولوژیکی، فضای شهری را دگرگون ساخت (Coleman, 2004: 296). این ایدئولوژی سیاسی، مدت ۱۰ سال به طور مستقیم، برنامه‌ریزی‌های آموزشی، درمانی، خانه‌سازی و امور مالی دولت‌های محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مارگارت تاچر در این باره چنین اظهار نظر می‌کرد:

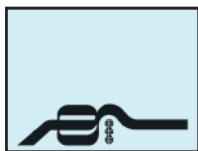
«چیزی به نام اجتماع وجود ندارد، فقط افراد و خانواده‌ها وجود دارند» (شکوئی، ۱۳۸۳: ۴۲۸). این همان مفهوم شهروند مسؤول است که فرم و عملکرد شهرهای انگلیسی را شکل می‌دهد (Coleman, 2004: 294).

اقتصاد آزاد سرمایه‌داری به سلطه بی حد و مرز دست یافت و برنامه‌ریزان نیز از ایدئولوژی تاچریسم پیروی کردند. با سیاست دولت تاچر، حومه نشینی و طبقه متوسط جامعه افزایش یافت و بسیاری از اهداف اجتماعی حذف گردید. با اجرای این سیاست، مسؤولیت شهروندان در تأمین خدمات عمومی و رفاهی بیشتر شد و برنامه‌ریزی‌ها تحت تأثیر آن قرار گرفت. این طرز تفکر، به ویژه بخش عمومی را بیشتر تحت تأثیر قرار داد. خانه‌سازی برای طبقه کم درآمد محدود شد و از تقویت حمل و نقل عمومی جلوگیری گردید. نتایج حاصل از اعمال سیاست شهروندی فعال در جامعه انگلستان عبارت بود از:

- ۱- میزان جرم و جنایت افزایش یافت.
- ۲- در اروپا بدترین آمارهای درمانی و بهداشتی از بریتانیا گزارش شد.
- ۳- ظهور تفکر «نئولیبرالیسم یا تاچریسم» در جغرافیا، اقتصاد و برنامه‌ریزی و قرار گرفتن و حتی جایگزین شدن آن در برابر عدالت اجتماعی.
- ۴- تبدیل تفکر شهروند فعال به استراتژی بی دردرس حزب محافظه کار (شکوئی، ۱۳۸۳: ۴۳۹-۴۳۷).

دیوید هاروی می‌گوید: تفکرات شهرسازی در دوره پست‌مدرن، دارای اهداف صرف اقتصادی (نئولیبرال) بوده و تلاشی در جهت تغییر سطح ظاهری سرمایه‌داری است (Harvey, 1989: p56).

اما در بسیاری شوراهای شهرها با سیاست‌های نئولیبرالیستی مقابله می‌شد - شورای شهر شفیلد، شورای شهر لندن بزرگ (که تاچر باید آنها را منحل می‌کرد تا به اهداف بزرگترش در دهه ۱۹۸۰ دست یابد) و شورای شهر لیورپول (که در آنجا نیمی از اعضای شورای شهر باید زندانی می‌شدند) مرکز مقاومت فعالی را تشکیل دادند که در آنها آرمان‌های سوسیالیستی شهری نوین (در مورد لندن، با ادغام بسیاری از جنبش‌های اجتماعی جدید) هم پیگیری و هم به آنها عمل می‌شد تا آنکه سرانجام در اواسط دهه ۱۹۸۰ سرکوب شدند. تاچر مبارزه با شوراهای شهرهای شهر و شهرداری‌ها را با کاهش بودجه‌ای که حکومت مرکزی به شهرداری‌ها می‌داد آغاز کرد. ولی شماری از شوراهای شهری به سادگی با افزایش مالیات بر مستغلات به کاهش بودجه‌ای خود واکنش نشان دادند و نخست وزیر را وادار کردند که علیه حق آنها در مورد وضع قوانین مالیات، قوانینی را در مجلس به تصویب برساند. او سپس با تحقیر شوراهای شهر پیشرو، که حزب کارگر در آنها قدرت داشت، به عنوان «چی‌های دیوانه»^{۲۱}، کوشید تا از طریق اصلاحات در امور مالی شهرداری‌ها و شوراهای شهر اصول نئولیبرال را به آنها تحمیل



منابع و مآخذ

آربلانستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۶۷.

باوو، ژان ژاک، مقدمه بر تحلیل فضایی، یدا... فرید، نشر دانشگاه آزاد واحد اهر، اهر، ۱۳۸۶.

بحرینی، سید حسین، تجدد فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۸.

بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، (مبانی علم سیاسی و نظری)، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲.

بشریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶.

بلانت آلیسون و جین ویلس، دگر اندیشی در فلسفه جغرافیا، ترجمه حسین حاتمی نژاد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۸۶.

بهکیش، محمدمهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، تهران ۱۳۸۱.

تقوایی، مسعود و زهتاب سروری، اثر لیبرالیسم بر فضای شهری، مجله سیاسی-اقتصادی، سال بیستم، شماره ۲۱۷ و ۲۱۸-مهر و آبان ۱۳۸۴.

پیرنیا، پرویز، دیدگاه نظری در جامعه شناسی و شهرنشینی (مکتب فنشناختی یا تکنولوژیک)، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال پنجم، شماره هشتم و نهم، خرداد و تیر ۱۳۷۰.

رنای شورت، جان و یونگ هیوم کینگ، جهانی شدن و شهر، ترجمه احمد پور احمد و شایان (قهرمان) رستمی. انتشارات جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، تهران، ۱۳۸۴.

رئیس دانا، فریبرز، اقتصاد سیاسی توسعه نشر نگاه، تهران ۱۳۸۱.

زنگنه چگنی، یعقوب، کلانشهرها-جهانشهرها؛ جهانی شدن کشورهای جهان سوم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۰-۱۶۹، سال ۱۶، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۰.

زیاری کرامت ...، برنامه ریزی شهرهای جدید، سمت، تهران، ۱۳۸۴.

ژرژ، تومه، توسعه فرهنگی و محیط زیست، ترجمه محمود شارع پور، نشر باز، تهران، ۱۳۸۰.

سلیمانی، رضا، اقتصاد سیاسی کارکرد نو محافظه کاران در آمریکا، ماهنامه اقتصادی-سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۵.

شکویی، حسین، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، سمت، ۱۳۸۵.

صرافی، مظفر، شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها، طرح مسأله ای برای جنوب، فصلنامه اطلاعات، سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۵-۱۵۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.

عبد... محمود، گفتمان های نئولیبرالیسم در اقتصاد سیاسی بین الملل. نئولیبرالیسم درونی شده ماهنامه اقتصاد سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۶.

عظیمی، ناصر، شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۸۱.

فصیحی، حبیب الله، جهانی شدن و نا برابری در جوامع شهر و جنوب شرق آسیا، فصل نامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۰-۱۶۹، سال ۱۶، مهر و آبان ۱۳۸۰.

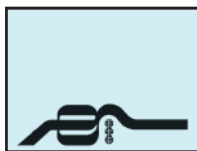
کلاول، پل، تاریخ جغرافیا، ترجمه سیروس سهامی، نشر محقق، مشهد، ۱۳۷۶.

کردند نه تنها شهرهای این کشورها بلکه شهرهای کشورهای متحد آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داد.

جدول ۳: ویژگی‌های برنامه‌ریزی انگلستان در دو عصر مدرن و پست-مدرن در قرن بیستم (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

فراجدید (پست مدرنیسم)	جدید (مدرنیسم)	
۱۹۶۰-۱۹۷۰ (به عنوان جزئی ضد فرهنگ) ۱۹۸۰ (حمایت نمادین)	۱۹۲۰-۱۹۳۹ (به عنوان یک نهضت پیشرو) ۱۹۴۰-۱۹۷۰ (قبولی توسط دولت)	اوج
شهر به عنوان منظر، به عنوان تبلور تنوع اجتماعی	شهر به عنوان یک شیء: مسکن انبوه	مفهوم شهر
آزادسازی و عدم تمرکز	شهرداری به عنوان نماینده دولت	شکل دخالت اداری
تنوع بیشتر، تأکید بر زمینه محلی، کاربری مختلط	ادامه تأکید بر تراکم کم، نور طبیعی، منطقه بندی عملکردی، کاربری های مجزا	تفکر در طراحی شهری
کنترل از طریق نوسازی و احیا	بازسازی حاشیه نشینی، توسعه کنترل شده از طریق حومه نشینی، نوسورها و کمربند سبز	تفکر برنامه ریزی راهبردی
موردی، مقابله با تضاد	جامع	نحوه تصمیم گیری نمونه
فراورد گرایی، تولید قابل انعطاف و کوچک انواع متعددی از محصولات	فورد گرایی، تولید انبوه محصولات استاندارد، تأکید بر تکرار و سادگی	شکل سازمان اقتصادی

این نگرش الگویی را در شهرها ایجاد کرد که شهرها را به سوی تفکر تک محوری و فردگرایی کشانید و رقابت در شهر منجر به بروز تباينات فضائی آشکاری گردید. دولت از حمایت گروه‌های کم درآمد دست می‌کشد و فضای اجتماع به فضای فرد دگرگون می‌شود. در این شرایط مفهوم شهروند مسؤول نمایان می‌شود که شهروند، مسؤول بقای خود در محیط شهری می‌شود. در فضای برنامه‌ریزی شهری نیز تاجریم تحول نوبنی ایجاد کرد. احداث شهرهای جدید بریتانیا طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ که ایده باغشهرها را برای دهه‌هایی به فراموشی سپرد خود به دنبال ظهور ایدئولوژی تاجریم در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ متوقف می‌شود و فقط به عنوان یک چهره هنری از گذشته باقی می‌ماند (زیاری، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین به دنبال تحولات نظریه‌ای در نظام‌های اجتماعی-اقتصادی زمان، شهر و برنامه‌ریزی شهری نیز دچار دگرگونی‌های اساسی می‌شود. چنانکه پست مدرنیسم به عنوان تفکر برنامه‌ریزی شهری غالب متأثر از اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی این عصر، شیوه‌ای خاص را در پیش می‌گیرد و ابزار نئولیبرالیسم در ساخت شهر برای دستیابی آسانتر به اهداف اقتصادی می‌شود.



2 - Continuity
3 - Siso Pramono

5- John Rawls
6- Ronald Dworkin
7- Friedrich Von Hayek
8- R.Nozick
9- Milton Friedman
10- Globalization

13- Thatcherism ideology

15- NGO,CBO,PVO

17- Jacobs and Appleyard
18- Loony lefties
19- Poll tax
20- unitary

۴- کشتار غیرمستقیم

۱۱- بیانیه
۱۲- دومین بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری

۱۴- توافقنامه تجارت آزاد

۱۶- عدم حمایت دولت از بخش نظافتی شهر و در نتیجه آلودگی محیط شهر

گیدنز، آنتونی، جهانی رها شده، ترجمه غلامرضا سعیدی و دیگران، نشر علم و ادب، تهران، ۱۳۷۸.
مامفرد، لوئیز، فرهنگ شهرها، وزارت مسکن و شهر سازی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ۱۳۸۵.
مدنی پور، علی، طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، ۱۳۷۹.
مهدی زاده، جواد و همکاران، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، (تجربیات جهانی و جایگاه آن در ایران)، معاونت معماری و شهرسازی زمستان، ۱۳۸۵.
مؤمنی، مصطفی، نظری بر زیربنای تئوریک جغرافیای کنونی ایران با تأکید بر جغرافیای شهری، قسمت دوم مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۸۳.
نصیری، اسماعیل و سرور، رحیم، و اسماعیل زاده حسن، نظام شهری کلانشهرها در عصر جهانی شدن، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۸ - ۲۴۷، ۱۳۷۹.
هادیانی، زهره، تأثیرات جهانی شدن بر فضای کلان شهرها، قسمت اول، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال نوزدهم، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۴.
هاروی، دیوید، تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمود عبدا... زاده، نشر اختران، ۱۳۸۶.

Brahman, John, Nuiversalism, Eurocentrism, and ideological bais in development studies: from modernization to neoliberalism, Third World Quarterly Vol. 16. No. 1995.

Coleman, Roy. Reclaiming the streets: closed circuit Television, Neoliberalism and the Mystification of Social Division in Liverpool UK, Surveillance & Society, CCTV. Special (eds.Norris.MacCahill and Wood) 2 (2/3): 293- 309, 2004.

Corubolo Enrico. Urban management and social justice' University College of London. 1998.

Cullingworth, J. Barry, "Town and Country Planning in the UK" Routledge, London, 1997.

G. Monbiot, "Punitive and it work", Guardian, 11 Jun. 2005, onlin edition.

Harvey, David, Neoliberalism and the city, studies in social justice, volum e1, number 1, winter 2007

Harvey, David, the condition of post modernism. 1989, Basil Blackwell

J. Wood, Lesely. Breaking the bank & taking to the streets: How protesters target Neoliberalism, Journal of world-systems Research, vol. X, number 1, winter 2004

Li, Miniqi. Xiö, Feng. Zho, Andong. Long waves, Institutional changes, and historical trends: A Study of the long-term movement of the profit rate in the capitalism world-economy, Journal of world-systems research, vol. XIII, number 1, 2007.

M. Ayres, Jeffrey. Framing collective action against neoliberalism: the case of the "ANTI-GLOBALIZATION" movement, Journal of world-systems research, vol. X, Number 1, winter 2004.

Pramono, Siswo. The Genocidal Politics and Neoliberalism, Journal of Economic and Social Research, 4 (2); P 115-138. 2008.

Rodrik, Dani. After Neoliberalism, what??. May 23-24. 2002.

<http://www.en.wikipedia.org>

پی نوشت

۱- محافظه‌کاری (conservatism)